



فصل نامه تخصصی کتابخانه بزرگ
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی &
سال بیست و ششم | شماره ۱۰۱-۱۰۲ | پائیز و زمستان ۱۳۹۹

کتابشناسی کتاب‌های تلگراف و تاریخچه تلگراف در ایران

حسین مسرت*

چکیده

نویسنده پس از بیان تاریخچه مختصر تلگراف، فهرستی از کتابهای مستقل و مشتمل در مورد تلگراف را آورده که شامل کتابهای چاپی، چاپ سنگی و سربی، نسخه‌های خطی و سند می‌شود و بیش از بیست منبع را در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

کتابشناسی تلگراف: تاریخچه تلگراف.

* پژوهشگر در حوزه نسخ خطی و تصحیح متون.

تلگراف که به معنای خیلی دور نوشتن است، نخستین ابزار ارتباطی پیشرفته انسان متمدن بود که در سال ۱۸۴۴ م به وسیله مورس آمریکایی اختراع شد (افشار، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۲۸) و در «ساعت ۸ روز ۲۴ مه سال ۱۸۴۴ میلادی برابر ۱۹ اردیبهشت ۱۲۲۳ شمسی، نخستین پیام تلگرافی توسط مورس بین واشنگتن و بالتیمور مخابره شد». (معمدی، ۱۳۷۶: ۲۹) و سپس در سراسر جهان به کار گرفته شد. این وسیله نوین در ۲۴ رجب ۱۲۷۴ ق [۲۰ اسفند ۱۲۳۶ ش] برای نخستین بار و به طور رسمی در ایران و در زمان علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، وزیر علوم در دوره ناصرالدین شاه، به وسیله کریشیش اتریشی در مدرسه دارالفنون راه اندازی شد. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۹: ۳۷۱) و «در سال ۱۲۵۵ ش وزارت تلگراف تأسیس شد. نخستین وزیر آن علیقلی هدایت، ملقب به مخبرالدوله بود». (معمدی، ۱۳۷۶: ۱۲) و سرانجام در روز نخست سال ۲۰۰۱ میلادی برابر با سال ۱۳۸۰ ش، «الفبای مورس در طاقچه فراموشی و در رف بایگانی قرن بیست و یکم قرار گرفت». (باستانی پاریزی، ۱۳۸۹: ۳۷۰)

درباره تلگراف و تاریخ تلگراف در ایران کتاب‌های مستقل معدودی به زبان فارسی در دست است و در برخی کتاب‌ها مانند تاریخ مؤسسات تمدنی ایران، بخشی را اختصاص به این صنعت و گزارش ورود آن به ایران کرده است. مثلاً درباره ورود آن به یزد و کرمان، بر پایه نامه ای که اعتضاد السلطنه در تاریخ رجب ۱۲۸۲ ق [برابر آذر ۱۲۴۴ ش] برای ناصرالدین شاه نوشته است، یک کلنل انگلیسی که نامش نیامده است، خودسرانه اقدام به کشیدن سیم تلگراف به یزد و کرمان کرده است. (قاضی‌ها، ۱۳۹۵) اما به طور رسمی در سال ۱۲۹۶ ق [برابر ۱۲۵۸ ش] به وسیله آلبرت هوتوم شیندلر به یزد کشیده شد و بنابر مندرجات کتاب منتظم ناصری ذیل وقایع سال ۱۳۰۰ ق، تشکیلات تلگرافخانه یزد و توابع و عقدا و کرمانشاهان عبارت از: محمدجعفر میرزا سرهنگ، رئیس، تلگرافچی چهار نفر، غلامان شش نفر و فرّاشان دو نفر است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۱۳۲) و نیز در کتاب یزد در اسناد امین الضرب، در ۲۷ رجب ۱۳۰۳ ق، شاهزاده محمدجعفر میرزا سرهنگ، رئیس تلگرافخانه یزد بوده و تا ۱۷ رمضان ۱۳۰۳ ق که به کرمان رفته، این مسئولیت را داشته است.



(مهدوی، ۱۳۸۰: ۲۵۵) اما نَوَاب رضوی ذیل وقایع سال ۱۳۲۲ ق می نویسد: «همیشه ویس قنسول [انگلیس] و رئیس تلگرافخانه در یزد، یکی است» (رضوی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۷۲) همو، تلگرافچی یزد را در سال ۱۲۹۷ ق، میرزا باقر خان نائینی ملقب به مشیرالملک می نامد و ذیل وقایع ۱۳۲۷ ق یزد، شاهزاده مقبل السلطان را رئیس تلگرافخانه یزد نام می برد. (همان: ۲۰۷ و ۴۸۲)

رودگر کیا درباره بنای تلگرافخانه می نویسد: «این جانب حین مأموریت‌های اداری از چندین بنای متروکه ادارات تلگراف هند و اروپا در نواحی مهدی آباد یزد و ... بازدید نموده ام. اکثر این اماکن در یک طبقه بنا گردیده و متشکل از چندین اتاق مسکونی، شامل دفتر کار، اتاق نشیمن همراه با آشپزخانه است. کلیه بناها را دیواری بلند احاطه کرده است.» (رودگرکیا، ۱۳۸۵: ۳۰)

هرچند این وسیله در سال‌های اخیر، به واسطه وجود ابزار جدید اطلاع رسانی، دیگر کاربرد سابق را ندارد، ولی در عصر خود، یکی از نوین ترین ابزارهای اطلاع رسانی بود که بعدها به غیر از استفاده های اقتصادی و اجتماعی که از آن می شد. در جریان پیکار پیروز تنباکو و بعدها در جریان نهضت مشروطیت، نقشی بس مهم در آگاهی مردم و بازتاب اوضاع سیاسی اجتماعی شهرها به پایتخت به ویژه به روزنامه های آن روز مرکز و برعکس به نشریات شهرستان‌ها داشت. افزون بر آن در جریان نهضت مشروطه، محل تلگرافخانه یکی از مکان‌های مهم معترضین به دولت و عوامل استبداد بود که با تجمع و بست نشینی، به ابراز مخالفت خود می پرداختند. محبوبی درباره دلایل این کار می نویسد: «برای این بود که زودتر جواب عرایض و تظلمات خود را بگیرند و چون تلگرافخانه های خارجی هم در ایران بود، احتمالاً آن‌ها هم برای اینکه مردم را رو به خود کنند و احیاناً اشکالی برای دولت ایجاد نمایند، عامه را در مواقع مقتضی به این کار تحریک می کردند.» (محبوبی، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۳۰)

پژمان بختیاری در کتاب تاریخ پست و تلگراف و تلفن درباره این تحصن‌ها می آورد: «توجه شدید مردم به این مؤسسه، اندک اندک مقامی برای او گردید و بست نشستن در

تلگرافخانه معمول شد. تحصّن یکی از آثار دوران استبدادی یعنی وسیلتی بوده است که مردم بی‌پناه برای حفظ جان و مال خود و گاهی نیز اشخاص گناهکار برای فرار از چنگال عدالت، بدان متوسّل می‌شدند و معمولاً اماکن متبرک محلّ تحصّن بود. این عمل کم‌کم عمومی یافت ... تلگرافخانه نیز از آغاز تأسیس، محلّ بست نشستن محسوب گشت و این فایده را هم داشت که در آن از سیم تلگراف برای ابراز درد خود استفاده می‌کردند. به‌زودی مردمان بیخبر از همه‌جا، تحصّن در تلگرافخانه را توسعه داده، در تلگرافخانه‌های انگلیس و روس هم متحصّن شدند». (پژمان بختیاری، بی‌تا: ۴۳۹-۴۳۸) نمونه آن را نواب رضوی اشاره می‌کند که جمعی از اهالی یزد به سرکردگی محمدتقی مازار در تلگرافخانه یزد تحصّن کردند. (رضوی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۵۳) «مرحوم مخبر السلطنه هدایت می‌نویسد: تلگرافخانه از برای متظلمین بست بود و از این رهگذر، حکام احتیاط زیاد می‌کردند. این امر آنقدر مشکل‌آفرین بود که وقتی قرارداد تلگراف از طریق خاک جاسک امضاء شد، یکی از مواد آن مربوط به بست نشینی بود». (باستانی پاریزی، ۱۳۸۹: ۳۹۹).

در زیر فهرستی از کتاب‌های مستقل و غیرمستقل درباره تلگراف درج میشود.

الف) کتاب

۱. کتاب‌های فنی

- اسرار تلگراف بی‌سیم، ترجمه احمدخان عماد الملک، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۱۰۱، تحریر ۱۳۳۵ ق.
- ایزو، شیل، قوانین رمز تلگرافی، نسخه خطی کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۵۸۵۹، بی‌تا.
- تلگراف الکترونیک، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۶۹۷/۱.
- حجازی، محمد، تلگراف بی‌سیم، بی‌جا، بی‌تا، عبدالشکور تبریزی.
- حکمت، علی اصغر، گلزار حکمت، چاپ اول، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۵۶ ش، ج اول، ۲۰۷ ص.
- خان بابایی، ولی، پست، تلگراف، تلفن، تهران: همراه، ۱۳۷۶ ش.

- شیبانی، عزیز الله، تلگراف بی سیم، تهران: بی نا، بی تا.
- کتاب تکالیف مأمور تلگراف حالا که در ایران خطوط تلگرافی احداث شده، پیوست کتاب علم حکمت طبیعی، تهران: بی نا، ۱۲۷۶ ق.
- مازندرانی، محمود بن یوسف، مفتاح الملک، ناسخ الرموز و رمز محمودی، چاپ اول، تهران: [دارالطباعه مدرسه مبارکه دارالفنون]، تهران: بی نا، ۱۳۰۴ ش و تهران: باقرزاده و برادران، ۱۳۱۱ ش.
- مستشار الدوله، یوسف بن کاظم، رمز یوسفی، بی جا، بی نا.
- میرزا عبدالغفار اصفهانی، نجم الدوله، قواعد تلگراف/ رساله قواعد تلگراف، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی و غیره.
- وزارت جنگ، ستاد ارتش، تلگراف بی سیم. الکتریسیته، تهران: وزارت جنگ، ستاد ارتش، ۱۳۱۶ ش.

۲. کتاب‌های تاریخی

- اطلاعات راجعه به تلگراف ایران، جلد اول تا سوم در یک مجلد، چاپ اول، تهران: [مطبعه بوسفور]، ۱۲۹۹-۱۳۰۲ ش
- اعتماد السلطنه، محمد حسن، مرآت البلدان؛ به کوشش عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش، ص ۳۵۸.
- پژمان بختیاری، حسین، تاریخ پست و تلگراف و تلفن، چاپ اول، تهران: علمی، بی تا.
- رودگرکیا دارا، ایرج، سیر استعمار انگلیس در ایران، چاپ اول، تهران: آبی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۸-۳۵.
- صفری، فریدون، اطلاعات عمومی قرن بیستم، چاپ اول، تهران: فروغی، ۱۳۵۳ ش، ص ۵۲۹-۵۳۰.
- طاهر احمدی، محمود، تلگراف عصر سپهسالار (خط تبریز ۹۶-۱۲۹۵)، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰ ش.
- محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش، ص: ۲۴۰-۱۹۴.



- معتمدی، اسفندیار، وزارت پست و تلگراف و تلفن دیروز امروز فردا، چاپ اول، تهران: طرح گسترش فرهنگ ارتباطات با همکاری مدرسه، ۱۳۷۶ ش.
- وزارت پست و تلگراف و تلفن، تاریخچه ایجاد پست و تلگراف در ایران، تهران: وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۱۳۲۶ ش.
- وزارت پست و تلگراف و تلفن، روزشمار توسعه ارتباطات در ایران، گذری بر تحولات ۱۵۰ ساله اخیر ارتباطات در ایران، چاپ اول، تهران: وزارت پست و تلگراف و تلفن، ۱۳۸۰ ش.
- یزدانی، مرضیه، اسناد پست و تلگراف و تلفن در دوره رضاشاه، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۸ ش.

ش		ش		ش	
شردید	شخ ط	شنلخه	شردش	شنوا	شردسرا
شخرم	شخ ع	شناخی	شردص	شنواند	شردز
شخس	شخ ع	شناخید	شردط	شنوانده	شردس
شخساره	شخ ق	شناخیم	شردظ	شنید	شردش
شخه	شخ ك	شناس	شردع	شنید	شردص
شخزار	شخ ل	شناسا	شردغ	شنیدند	شردظ
شخس	شخ م	شناسان	شردن	شنیدند	شردظ
شخسیر	شخ ن	شناساند	شردك	شنید	شردع
شخمع	شخ و	شناساندم	شردل	شنید بود	شردع
شخمدان	شخ ه	شناسانان	شردم	شنید	شردن
شخمول	شخ ی	شناساناند	شردن	شنیدید	شردك
شخمز	شخ د	شناساناده	شردو	شنیدیم	شردل
شخیران	شردب	شناسانانگ	شردم	شنیدیم	شردم
شخیران	شردج	شناساندهد	شردی	شنید	شردن
شخنا	شردخ	شناساندهم	شردا	شنید	شردو
شخناخت	شردز	شناعت	شردب	شوادع	شردو
شخناخم	شردس	شنبه	شردج	شوزال	شردی
شخناختن	شردن	شخچون	شردح	شوخ	شردا
شخناختد	شردس	شكول	شردخ	شوخ	شردب
		ششو	شردد	شود	شردج

صفحه ای از کتاب ناسخ الرموز و رمز محمودی - تلگراف

ب) مقاله

- افشار، ایرج، «تلگراف در ایران»، سواد و بیاض، جلد اول، چاپ اول، تهران: اساطیر، ۱۳۸۹ ش، ص: ۲۲۸-۲۳۹.
- باستانی پاریزی، محمّد ابراهیم، «مرثیه مُرسیه (تلگراف در ایران)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، جلد بیستم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۹ ش، ص: ۳۵۹-۴۱۸.
- پیرنیا، حسین، «جنگ مشروطه خواهان»، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۷ ش، ص: ۱۹۹۹-۱۹۹۵.
- صفایی، ابراهیم «تلگراف ناصرالدین شاه به حضرت رضا (ع)» نگین، سال ۳، شماره ۳۱، ۱۳۴۶، صص ۲۲ و ۵۱/ خواندنی‌ها، سال ۲۸، شماره ۳۰، ۱۳۴۶، صص ۳۶-۳۵.
- قاضی‌ها، فاطمه «دستور خودسرانه کشیدن سیم تلگراف از یزد و کرمان، توسط کلنل انگلیسی» شبکه مجازی مورخان (۱۳۹۵/۳/۳۱).

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمّدحسن، مرآت البلدان؛ به کوشش عبدالحسین نوایی و هاشم محدّث، جلد چهارم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ ش.
- افشار، ایرج، سواد و بیاض، جلد اول، چاپ اول، تهران: دهخدا، ۱۳۴۴ ش.
- باستانی پاریزی، محمّد ابراهیم، «مرثیه مُرسیه (تلگراف در ایران)»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، جلد بیستم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۸۹ ش.
- پژمان بختیاری، حسین، تاریخ پست و تلگراف و تلفن، چاپ اول، تهران: علمی، بی تا.
- رضوی، محمّد، خاطرات وکیل التولیه (میرزامحمّد نواب رضوی)، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، جلد اول و دوم، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۷ ش.
- رودگرکیادارا، ایرج، سیر استعمار انگلیس در ایران، چاپ اول، تهران: آبی، ۱۳۸۵ ش.



قاضی‌ها، فاطمه «دستور خودسرانه کشیدن سیم تلگراف از یزد و کرمان، توسط کلنل انگلیسی» شبکه مجازی مورخان (۱۳۹۵/۳/۳۱).

محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، جلد دوم، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ ش.

مشار، خان بابا، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، جلد اول تا پنجم، چاپ اول، تهران: بینا، ۱۳۵۵-۱۳۵۰ ش.

معتمدی، اسفندیار، وزارت پست و تلگراف و تلفن دیروز امروز فردا، چاپ اول، تهران: طرح گسترش فرهنگ ارتباطات با همکاری مدرسه، ۱۳۷۶ ش.

منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ششم، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۵۴ ش.

مهدوی، اصغر و ایرج افشار، یزد در اسناد امین الضرب (سال‌های ۱۲۸۸-۱۳۳۰ قمری)، چاپ اول، تهران: طایفه و فرهنگ ایران زمین، ۱۳۸۰ ش.

